

تحلیل جامعه‌شناختی ناآرامی‌های خشونت‌آمیز پاییز ۱۴۰۱

محمد جمیری^۱، محمد کشاورز(بیضایی)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری، با ناآرامی‌های خشونت‌آمیز متعددی، مواجه بوده است. در این میان ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ در ابعاد مختلف، از حیث فضا، چینش، گونه‌شناسی، حضور طبقات و دامنه آن و به‌طورکلی در ماهیت و در شکل، با ناآرامی‌های قبلی متفاوت بود. بر این اساس در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که چه عواملی در وقوع ناآرامی‌های ۱۴۰۱ موثر بوده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱، هر چند واجد صبغۀ فرهنگی و روانی بود؛ ولی ترکیبی از عوامل زمینۀ‌ای در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در تسریع‌بخشی به آن مؤثر بوده است. یافته‌های این جستار که با روشی توصیفی-تحلیلی و استعانت ممکن از نظریه محرومیت نسبی سامان یافته است نشان می‌دهد که ناآرامی‌های خشونت‌آمیز بعد از انقلاب، از حیث گونه - شناسی مشتمل بر یکی از اشکال سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی بوده است. اما در ناآرامی‌های خشونت‌آمیز ۱۴۰۱، آمیزه‌ای از عوامل با صبغۀ فرهنگی، سیاسی و روانی نظیر: مقایسه اجتماعی و انتظارات برآورده نشده، موضوعات مربوط به زنان، گسترش چشمگیر فعالیت‌های مجازی، در کنار عوامل زمینۀ‌ای، همچون عدم امکان برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، گسل‌های نسلی، قومی و جنسیتی، آسیب‌پذیرشدن اقتصاد، رویه‌های ناسالم اداری، تنش‌های آبی دهه اخیر، ژئوپولیتیک ناامن ایران و کمپین فشار حداکثری، زمینه را برای ظهور این ناآرامی‌ها فراهم ساخت.

واژگان اصلی: جمهوری اسلامی، گونه‌شناسی ناآرامی، محرومیت نسبی، ناآرامی‌های خشونت‌آمیز پاییز ۱۴۰۱.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

jamiri.mohammad@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

مقدمه

در جهان امروزی، بحران‌های اجتماعی همچون ناآرامی‌ها، جنبش‌ها و شورش‌ها، توجه بسیاری از محققان و جامعه‌شناسان را به خود جلب نموده است. در این راستا ناآرامی‌های خشونت‌آمیز که تجلی آن در همراهی بخشی از توده‌ها و طبقات اجتماعی و با کنشی رادیکال همراه است، می‌تواند زمینه‌ساز حرکت‌های گسترده جمعی و تسری بحران به سایر بخش‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. جمهوری اسلامی از ابتدای استقرار تا کنون تجارب گوناگونی، در مواجهه با گروه‌ها، حرکت‌ها و ناآرامی‌های خشن در سطوح مختلف داشته است. افزون بر این، در سال‌های اخیر و با ظهور آسیب‌های متعدد اجتماعی و زیستی، نظیر شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی، فسادهای اقتصادی و اداری، مشکلات و بلایای طبیعی، همچون خشکسالی، زلزله و سیل، شاهد ظهور و بروز ناآرامی‌های و نارضایتی‌هایی که صبغه خشونت‌آمیز داشته‌اند، بودیم. در همه این موارد فضای مجازی بسان نوعی کاتالیزور و محرک خشونت، زمینه را برای رفتارهای خشن و رادیکال فراهم کرده است. از سوی دیگر انقلاب اسلامی، به مثابه یکی از پدیده‌های سیاسی-اجتماعی مهم قرن اخیر، همچون همه نظامات سیاسی و انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی دیگر، دارای سیر تکامل و آفت‌هایی است که شناسایی و تدوین آنها برای جلوگیری از شکست و زوال انقلاب و استمرار حرکت دائمی آن ضروری است (عبدالعلی پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۷).

برای دسته‌بندی این حرکت‌ها می‌توان از شاخص‌هایی چون: توالی زمانی یعنی تقسیم‌بندی ناآرامی‌های خشن بر اساس دهه‌های مختلف، دولت‌های بعد از انقلاب، خواسته‌های مورد تقاضای گروه‌های اقدام‌کننده، رویکرد طبقاتی و در نهایت بر مبنای گسل‌های اجتماعی (اعم نسلی یا قومی و مذهبی)؛ بهره‌گرفت. در این میان ناآرامی‌های خشن پاییز ۱۴۰۱ که بخش قابل‌توجهی از شهرها و مراکز دانشگاهی را به خود معطوف نمود مصداق قابل‌درنگی از ناآرامی‌های خشونت‌آمیز در دهه پنجم انقلاب اسلامی است. از آنجا که عرصه سیاسی و اجتماعی ایران، در طی این سال‌ها، آستان حوادث و ناآرامی‌های چندی بوده، شناخت آبخشورها و زمینه‌های این ناآرامی‌ها و اهتمام به مرتفع نمودن عوامل شکل‌گیری آن، می‌تواند زمینه بهبود مدیریت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور، نیز ثبات امنیت ملی، همبستگی و همگرایی اجتماعی را تأمین نماید.

باید اشاره شود که تا کنون پژوهشی مستقل درباره گونه‌شناسی، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناآرامی‌های خشونت‌آمیز بعد از انقلاب؛ خصوصاً ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ صورت نگرفته است؛ اما پیرامون این موضوع و ناآرامی‌های قبل از آن، پژوهش‌هایی صورت گرفته که برخی از آن‌ها، از این

قرارند: روح‌الله حسین‌پور و احمد رشیدی (۱۴۰۰ش)، در مقاله «ناآرامی‌های دی‌ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه‌شناسی شبکه‌ای» ناآرامی‌های دی‌ماه ۹۶ را با کاربست تئوری جامعه‌شناسی شبکه‌ای کاستلز، مورد بررسی قرار داده‌اند. عبدالرحمانی، حسین‌پور و جبّاری (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی رابطه کاربری پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات»، رابطه کاربری پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات و ناآرامی‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. (نویخت، سمیعانی و دعاگویان (۱۳۹۹)، در مقاله «مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران: الگویابی در فرهنگ عمومی»، الگویابی مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران را باتکیه بر فرهنگ عمومی مورد بررسی قرار داده‌اند. با این‌همه این آثار به گونه‌شناسی ناآرامی‌های بعد از انقلاب اسلامی؛ خصوصاً گونه‌شناسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱، نیز زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری آن، توجهی نداشته‌اند و راه را برای تحقیقی مستقل و جامع فراهم نموده‌اند. براین‌اساس سؤالاتی که این جستار درصدد پاسخ‌گویی به آن برآمده این است که گونه‌شناسی ناآرامی‌های بعد از انقلاب؛ به‌ویژه ناآرامی‌های ۱۴۰۱، همچنین زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری آن چه بوده است؟

۱. مبانی نظری

نظریه محرومیت نسبی رابرت گر از زمره مباحث نظری است که برخی از مفروضات آن می‌تواند در تبیین پاره‌ای از مسائل مربوط به ناآرامی‌های خشونت‌آمیز پس از انقلاب؛ خصوصاً رخدادهای ۱۴۰۱، مفید باشد. مفهوم محرومیت نسبی از جنبه روان‌شناسانه با انتظارات برآورده نشده در پیوند است (پای و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۵۳). این نظریه از دسته نظریات خشونت سیاسی بوده و به‌نوعی حلقه تکامل‌بخش دیدگاه محرومیت اقتصادی جیمز دیویس است. ایده مرکزی این نظریه این‌گونه ارائه می‌شود که «بدبختی عامل شورش است». براین‌اساس مردم زمانی دست به شورش می‌زنند که انتظار زندگی بهتری داشته باشند؛ اما انتظارات خود را نقش بر آب ببینند. عامل افزایش چنین انتظاراتی را در مواردی همچون تماس‌های فرهنگی با جوامع پیشرفته‌تر و یا رشد اقتصادی سریع و نامتوازن دانست. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۹) بر مبنای این نظریه، تفاوت در جوامع شامل سن، جنسیت، قومیت، دین و مذهب، وضعیت اقتصادی، یا رویکرد سیاسی افراد، خود را نشان می‌دهد. اما برخی مواقع این تفاوت‌ها باعث می‌شوند تا میان اعضای جامعه، فاصله‌ای در درک متقابل ایجاد شود و این تفاوت‌ها تبدیل به صف‌بندی‌ها و رقابت‌هایی شود که از آن با تعبیر

«شکاف اجتماعی» یاد می‌شود. در صورتی که این تفاوت‌ها به مرز برخی تخصیص‌ها و تعارض‌ها برسند، می‌توان از واژه «شکاف» سخن به میان آورد (گر، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۷). در این صورت «گسست اجتماعی» مرحله نهایی شکاف اجتماعی است که باعث می‌شود شهروندان به نقطه‌ای برسند که دیگر قادر به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر نباشند و در نهایت یک نظام اجتماعی دچار اضمحلال گردد.

به طور معمول برخی شکاف‌ها در تمام جوامع وجود دارند. «شکاف نسلی» و «شکاف جنسیتی» دو نوع از انواع شکاف در تمامی جوامع هستند. منظور از «شکاف نسلی» تفاوت میان اعضای نسل جوان و اعضای نسل بزرگسال در جامعه است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف خود را نشان دهد. جوانان در تمامی جوامع به طور معمول پرشور و حرارت، فعال، آرمان‌گرا، تجددخواه و پیشرو هستند و در مقابل بزرگسالان تا حدی محافظه‌کار، آرام، وابسته به سنت‌ها و میان‌دار جامعه محسوب می‌شوند. از همین رو میان این دو گروه در هر جامعه‌ای ممکن است اختلاف‌نظرهایی پیش بیاید. در مورد زنان و مردان نیز همین وضعیت حاکم است. دیدگاه‌ها و تفاوت‌های میان زنان و مردان و اختلاف‌نظر آنان بر سر قوانین و مقررات و جایگاه اجتماعی هر گروه جنسیتی نیز موضوع تفاوت‌ها و تعارض‌ها در جوامع مختلف است. قومیت و زبان، باورهای دینی، جایگاه و منافع اقتصادی و رویکردهای سیاسی نیز از دیگر منابع تفاوت و شکاف در هر جامعه‌ای هستند که بسته به وضعیت یک جامعه، می‌توانند شرایط مختلفی را پدیدآورند. باین حال این نکته را بایستی در نظر گرفت که شکاف‌ها ممکن است با یکدیگر منطبق شوند. وضعیتی که می‌تواند باعث تشدید شکاف اجتماعی شود. تطبیق قومیت و مذهب و وضعیت اقتصادی، از جمله مواردی است که باعث تشدید شکاف‌ها در بسیاری از جوامع شده است (اشرف سمنانی، ۱۳۹۸: ایرنا).

همانگونه که اشاره شد، یکی از جنبه‌های مهم محرومیت نسبی، مقایسه اجتماعی است. به این معنا که گروه مرجع فرد معترض در مقایسه با سایر گروه‌ها، برای او نمادی از فقر یا استبداد و یا ناکارآمدی است. قابل تأمل اینکه انسان خود را با چیزی که اصلاً قابل دسترسی نباشد مقایسه نمی‌کند، بلکه با وضعیتی که به وضعیت او نزدیک است یا با انسان‌هایی که خصوصیاتش شبیه او دارند مقایسه می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۷۵). نگرش نسبت به وضعیت محیط زندگی در قیاس با امکانات موجود یکی از عوامل مقایسه است. این عامل در ایران طی دهه اخیر مورد نگرانی بوده است. به طور مثال بر اساس برخی نظرسنجی‌ها که طی نیمه دهه هشتاد یعنی سال ۱۳۸۵ در ایران

و در خصوص نگرش جوانان نسبت به آینده صورت گرفته، حدود ۴۴ درصد جوانان معتقد بودند وضعیت آینده جامعه بهتر خواهد شد و حدود ۳۱ درصد گفته بودند آینده کشور بدتر خواهد شد. با این حال نگرش جوانان در سال ۹۳ وفق تغییر می‌کند. به این ترتیب ۴۴ درصد جوانان معتقد بودند وضعیت کشور روز به روز بدتر می‌شود و فقط ۲۷ درصد معتقد بودند وضع کشور رو به بهبود است که امید آنها به بهبود وضعیت کشور در مقایسه با سال ۸۵، ۱۷ درصد کاهش یافته است. در اواخر دهه ۱۳۹۰، وضعیت نگرش جوانان از ابتدای این دهه نیز بدتر می‌شود. به گونه‌ای که میزان امیدواری جوانان به بهبود وضعیت کشور در پیمایش سال ۹۷ به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد و بیش از نیمی از آنها معادل ۶۴٫۱ درصد اظهار داشته‌اند وضعیت کل کشور روز به روز بدتر می‌شود (مرکز افکار سنجی دانشجویان، ۱۳۹۷: کد خبر ۲۰۰۱) و یا به عنوان نمونه بر اساس نظرسنجی شرکت تحقیقاتی و تحلیلی PSB Insights، نیمی از جوانان عرب در بیش از ۱۷ کشور عربی از امارات متحده عربی به عنوان کشوری یاد کرده‌اند که دوست دارند در آن کشور زندگی کنند (سایت پرتال خبری فارسی زبانان امارات، ۲۰۲۱م: کد خبر ۸۷۸۴). همچنین بر اساس مشاهده مستقیم نگارندگان این مقاله، بخش قابل توجهی از دانشجویان، از مقایسه وضعیت ایران، با کشورهای عربی که طی سال‌های نه چندان دور، از امکاناتی مختصر و نامی ناآشنا در دنیا برخوردار بودند، اظهار ناخشنودی کرده و مایل به زندگی در یکی از کشورهای عربی خلیج فارس می‌باشند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

این جستار با روشی توصیفی - تحلیلی، و استعانت ممکن از نظریه محرومیت نسبی رابرت گر، گونه‌شناسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱، نیز زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری آن را در کانون توجه خود قرار داده است. همچنین تلاش شده در عین بررسی مؤلفه‌هایی همچون طبقه، قشر، دولت، دهه، ایدئولوژی و گسل حاکم بر فضای وقوع ناآرامی‌های خشونت‌آمیز، در نهایت راهکارهایی جهت کنترل هر چه بهتر این قبیل اقدامات در آینده و الگوگیری از این ناآرامی‌های خشن و رادیکال، ارائه شود.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

- نگاهی به حرکت‌ها و ناآرامی‌های خشونت‌آمیز داخلی و گونه‌شناسی آن از دهه

شصت تا کنون

الف) دهه ۱۳۶۰

در دهه شصت چند شکل از ناآرامی‌های خشن وجود دارد که تقریباً همه آنها تا پایان سال ۱۳۶۰ به پایان می‌رسند. نوع اول حرکت‌های تجزیه‌طلبانه است. هم‌زمان با پیروزی انقلاب، تمامی گروه‌ها و اقوامی که به‌نوعی خود را در سرنگونی شاه شریک می‌دانستند، خواهان سهمی از نظام سیاسی جدید شدند. از بهمن ۱۳۵۷ زنجیره به‌هم‌پیوسته‌ای از تقاضاهای قومی به‌سوی مرکز کشور گسیل و به دنبال آن خشونت‌های قومی و محلی آغاز گردید. اولین و مهم‌ترین بازیگران این زنجیره قومی کردها و سپس دنبال آن در منطقه ترکمن صحرا طی اسفند ۵۷ و فروردین ۵۸، درگیری‌ها آغاز شد.

طی سال ۵۸ حوادثی از قبیل تظاهرات‌های تجزیه‌طلبانه، بمب‌گذاری‌ها و خرابکاری‌ها در میان خطوط لوله در شهرهای عرب‌نشین خوزستان به وقوع پیوست. آذربایجان به‌واسطه تحرکات حزب خلق مسلمان از نیمه دوم سال ۵۸ متحمل حوادث خشونت باری شد. طی همین سال در جنوب شرق کشور یعنی منطقه بلوچستان درگیری‌ها آغاز شد. درگیری‌های خشونت‌آمیز قومی در مناطق بلوچ و کردنشین طی سال‌های بعد نیز استمرار یافت (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۹۴-۲۹۵). این قبیل حرکت‌ها که در نواحی مرزی کشور رخ نمود با الهام از اندیشه‌های چپ مارکسیستی، حرکت‌های قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه تحت عنوان خلق‌های قومی در شرق و غرب ایران بروز نمود که به دلیل فقدان مبانی تاریخی و اجتماعی صحیح نتوانست زمینه مؤثری پیدا کند (باوند، ۱۳۷۸: ۱۱۰). علاوه بر این، سازمان مجاهدین خلق که پس از خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری وارد فاز مسلحانه شده بود، جنبه‌ای دیگر از خشونت را به منصف ظهور گذاشت. در فاصله خرداد تا بهمن ۱۳۶۰ شدت خشونت سازمان به حدی بود که رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی قضایی، تعدادی از نمایندگان مجلس و ده‌ها مرد و زن را ترور کرد (راستگو، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۸؛ فوزی، ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۰۷).

برخلاف بدنه اجتماعی سایر گروه‌های خلقی که عمدتاً از افراد فقیر و کم‌سواد مناطق روستایی و شهری ساخته شده بود، بدنه تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین را غالباً دانشجویان، دانش‌آموزان و بعضاً معلمان تشکیل می‌دادند که دارای سطح معینی از مطالعه و دارای کار تشکیلاتی منسجم و قوی بودند. ایدئولوژی حاکم بر این گروه نیز التقاطی از اسلام و مارکسیسم بود که البته وجه مارکسیسم آن بر اسلامی بودنش غلبه داشت (نعمتی‌وروجنی ۱۳۹۱: ۷۷-۷۶).

علاوه بر اینها، گروهک فرقان نیز حرکت‌های رادیکال، خشن و حذف‌گرا را در دستور کار خود قرار داد. ثمره خشونت‌های این گروه، ترور حدود بیست شخصیت اسلامی و انقلابی همچون شهیدان مطهری، مفتاح، قاضی طباطبایی، مهدی عراقی، و دیگران بود (صالحی، ۱۳۹۴: ۶۵) بدنه کوچک گروه فرقان را تعدادی طلبه و معلم سطح پایین تشکیل می‌دادند. تفکر آنها اسلام‌گرایی افراطی و طبقه اجتماعی آنها نیز متعلق به پایین جامعه بود (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۴۷).

جدول شماره ۱: تحلیل ناآرامی‌های خشونت‌آمیز دهه شصت.

عامل ناآرامی خشن	دهه / دولت	خواسته	طبقه / قشر تشکیل‌دهنده بدنه	جنسیت	ایدئولوژی حاکم	گسل موجود
خلق عرب	شصت / بازرگان	تجزیه‌طلبی	طبقات پایین اجتماعی	مردان	چپ مارکسیستی	قومیتی
خلق کرد	شصت / بازرگان، بنی‌صدر	تجزیه‌طلبی	طبقات پایین اجتماعی	عمدتاً مردان	چپ مارکسیستی	قومیتی
خلق بلوچ	شصت / بازرگان	تجزیه‌طلبی	طبقات پایین اجتماعی	مرد	چپ مارکسیستی	قومیتی
سازمان مجاهدین خلق	شصت / بنی‌صدر، رجایی، خامنه‌ای	کسب قدرت سیاسی	طبقه متوسط (دانش‌آموزان و دانشجویان)	مردان و زنان	التقاطی (با غلبه رویکرد مبارزاتی چپ مارکسیستی)	سیاسی
سازمان فدائیان خلق	۱۳۵۸ و شصت (بازرگان تا خامنه‌ای)	کسب سهمی از قدرت سیاسی	طبقه متوسط (دانش‌آموزان و دانشجویان)	مردان و زنان	چپ مارکسیستی	سیاسی
فرقان	۱۳۵۸ بازرگان - بنی‌صدر	--	پایین	مرد	اسلام‌گرای افراطی	ایدئولوژیک ک

ب) دهه هفتاد تا نود شمسی

دولت هاشمی رفسنجانی موسوم به دولت سازندگی، موجب تغییرات اجتماعی و

اقتصادی مهمی در کشور شد. بازسای کشور ناشی از ویرانی‌های جنگ که مزید بر جبران عقب‌ماندگی‌های دوره شاه بود، نیاز کشور به منابع مالی را افزایش داد بود (ابوذری لطف، ۱۳۹۳: ۱۴۰). در این دوره سیاست‌های تعدیل اقتصادی به اجرا درآمد. براین اساس دولت می‌بایست در سریع‌ترین زمان ممکن با کاهش هزینه‌های خود بر درآمدهایش می‌افزود، برنامه اقتصادی دولت، تحت عنوان سیاست تعدیل اقتصادی مشهور شد. فشارهای ناشی از سیاست‌های تعدیل، نرخ تورم را به ۵۰ درصد رساند (فوزی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در چنین فضایی که فشارهای اقتصادی روزبه‌روز بیشتر می‌شد ناآرامی‌های خشونت‌آمیزی در شهرهایی مانند مشهد، اسلامشهر، شیراز، زاهدان، زنجان، ارومیه، اراک و مبارکه رخ نمود. گروه‌هایی در چند شهر از جمله مشهد و ورامین دست به اقدامات خشنی نظیر غارت فروشگاه‌ها و آتش‌زدن آنها مبادرت ورزیدند (سردارنیا و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۰۶). به دلیل بسته‌بودن فضای سیاسی، کنترل دولت وقت بر روزنامه‌های رسمی و نبود رسانه‌های مجازی خارج از کنترل دولت، آمار دقیقی از میزان جان باختگان در دست نیست. به لحاظ ایدئولوژیک نمی‌توان عاملین این ناآرامی‌های را دارای ایدئولوژی رقیب جمهوری اسلامی قلمداد نمود. از آنجاکه عمده این خواسته‌ها حول محور اقتصاد بود باید طبقه مبادرت‌کننده در این ناآرامی‌های را نیز از جمله طبقات پایین دانست.

جدول شماره ۲: تحلیل حرکت‌های خشونت‌آمیز دهه ۱۳۷۰

عامل ناآرامی های خشن	دهه / دولت	خواسته	طبقه / قشر تشکیل‌دهنده بدنه	جنسیت	ایدئولوژی حاکم	گسل موجود
طبقه پایین	هفتاد // هاشمی رفسنجانی	عمدتاً مطالبات اقتصادی	طبقات پایین	مرد	-	اقتصادی
دانشجویان یا نیروهای امنیتی	هفتاد // سید محمد خاتمی	آزادی‌های مدنی	طبقه متوسط	مرد و زن	لیبرالیسم فرهنگی و سیاسی	سیاسی

ورود به دوره دوم خرداد، جهشی در توسعه سیاسی را با خود به همراه داشت. به عبارتی دال مرکزی جریان موسوم به اصلاحات را توسعه سیاسی تشکیل می‌داد (ابوذری لطف، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۱۵). توسعه سیاسی از نظر اصلاح‌طلبان با شاخص‌هایی همچون افزایش تعداد روزنامه‌ها، ایجاد فضا برای فعالیت نهادهای مدنی سیاسی و اجتماعی، تکثر فرهنگی و سیاسی، احیای حرکت‌های

دانشجویی دنبال می‌شد. با این وجود دوره اصلاحات شاهد ناآرامی‌های سیاسی زیادی بود. تنش‌های سیاسی در مجلس و سایر نهادها که برخی از آنها به اجتماعات نیز بروز می‌کرد. از این میان می‌توان به اتفاقات تیر ۱۳۷۸ اشاره کرد. حرکتی جنجال‌آفرین که هم بعد رسانه‌ای داشت و هم بعد سیاسی و امنیتی. در ضمن این ناآرامی‌ها که با مرکزیت برخی دانشگاه‌ها همراه بود، تعدادی از دانشجویان در تهران و تبریز کشته و تعدادی دیگر نیز مجروح شدند.

ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد سرفصل جدیدی در فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بود. روی آوردن به طبقات پایین پس از شانزده سال که توجهات مقامات عمدتاً به سمت گروه‌های متوسط به بالا بود یکی از مهمترین این تغییرات به حساب می‌آمد. با نزدیک شدن به دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، نشانه‌های قوی‌ای از دو قطبی شدن فضای انتخابات فراهم می‌شد. برای نخستین بار فضای انتخابات متأثر از ابزارهای مجازی شامل پیامک و شبکه‌های مجازی همچون توئیتر قرار گرفت. همچنین شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی نیز که نخستین ماه‌های آغاز به کار خود را می‌گذراند در کنار فضای مجازی به کمک کاندیداهای رقیب احمدی‌نژاد آمدند. همان گونه که پیش‌بینی می‌شد رقابت کاندیدها از نخستین روزهای تبلیغات وارد چالشی جدی و پر حرارت شد. مطابق با پیش‌بینی‌ها، مشارکت مردمی بسیار فراتر از انتظار بود. به نحوی که میزان مشارکت هشتاد و چهار درصدی، پس از فراندوم جمهوری اسلامی بی‌نظیر بوده است. میرحسین موسوی پیش از پایان زمان رای‌گیری، اعلام پیروزی کرد و به نوعی سرآغاز حوادث خشن و تندی در کشور شد. از روز شنبه پس از انتخابات حضور خیابانی مردم آغاز شد. روز دوشنبه بعد از انتخابات، راهپیمایی معترضین به نتیجه انتخابات در تهران با حضور خاتمی، موسوی و انبوهی از حامیان آنها به شکلی بسیار گسترده برگزار شد. در همین حین حمله به پایگاه بسیج در مسیر راهپیمایی به سرعت، این تجمع را وارد فاز خشونت کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۲۶۰-۲۴۹).

در ادامه تعدادی از معترضان، بر خلاف رویه‌های قضایی و عمومی به بازداشتگاهی در کهریزک منتقل شدند که در این میان پنج نفر به خاطر سوء رفتار ضابطین فوت کردند (شبکه شرق، ۱۳۹۸: کد خبر ۲۵۵۹۳۳/۱۰۰). نظام در بالاترین سطوح، پیگیر این ماجرا شد تا جایی که حتی رهبر معظم انقلاب از بازداشتگاه کهریزک به‌عنوان جایی که در آن «جنایت» روی داده و آبروی نظام را در جهان برده است، یاد کردند (خط حزب‌الله شماره ۲۱۶ دی ماه ۱۳۹۸). در مجموع نمی‌توان تعداد مشخصی از تعداد کشته‌شده‌ها اعلام نمود؛ اما کمترین آمار ارائه شده خبر از مرگ

بیست و چهار نفر در این ناآرامی‌ها دارد. حمید رسایی نماینده وقت مجلس تعداد کشته شده‌ها را در جلسه علنی مجلس، ۲۵ نفر ذکر کرد (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۹۱: کد خبر ۲۴۸۴۹۶). برخی دیگر تنها آمار کشته‌ها و زخمی شده‌های روز ۲۵ خرداد را ۳۶ نفر می‌دانند (سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶، کد خبر ۱۰۰۷/۳۶). این ناآرامی‌های وجوه دیگری نیز داشت. برای نخستین بار دامنه ناآرامی‌های از تهران و چند شهر بزرگ فراتر رفته، به شهرهای کوچکتر نیز سرایت کرد. بعلاوه باعث به وجود آمدن شکاف عمیقی بین گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شد. برای نخستین بار پس از رخدادهای سال ۱۳۶۰ که منجر به عزل رئیس‌جمهور بنی‌صدر شد، سطح تعارض به بالاترین سطوح قدرت در ایران منتقل گردید و علاوه بر شکاف اجتماعی، شکاف سیاسی عمیقی نیز بین مقامات درجه اول کشور نمودار شد که آثار آن تا همکنون نیز هویداست.

جدول شماره ۳: تحلیل ناآرامی‌های خشونت آمیز ۱۳۸۸.

عامل ناآرامی خشن	دهه / دولت	خواسته	طبقه / قشر تشکیل دهنده بدنه	جنسیت	ایدئولوژی حاکم	گسل موجود
برخی گروه‌های معترض	هشتاد / محمود احمدی نژاد	سیاسی	عمدتاً طبقه متوسط و بالا	مرد و زن	لیبرالیسم سیاسی	سیاسی / یا سنت و تجدد

دهه نود با تحمیل سنگین‌ترین تحریم‌ها از سوی ایالات متحده بر ایران آغاز شد. تحریم نفت و بانک مرکزی فشارها بر ایران را چندین برابر کرده بود. ایالات متحده نام آن را تحریم‌های فلج‌کننده^۱ گذاشته بود. درحالی‌که جامعه منتظر تغییری جدی در مسیر اقتصادی بود، حسن روحانی کاندیدای دوره یازدهم ریاست جمهوری با شعار رفع تحریم‌ها و مذاکره مستقیم با ایالات متحده برنده انتخابات شد. او در نهایت توانست در تیرماه ۱۳۹۴ معاهده‌ای تحت عنوان برجام را با پنج کشور عضو دائم شورای امنیت به‌علاوه آلمان منعقد کند. روحانی برجام را عامل توسعه کشور در تمامی زمینه‌ها حتی محیط‌زیست قلمداد می‌کرد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶: کد خبر ۱۳۷۵۶۵۰/۲۱/۰۱/۱۳۹۶). اما روی کار آمدن دونالد ترامپ تمام محاسبات روحانی را به هم ریخت.

¹ crippling sanction

ترامپ از همان ابتدا تلاش کرد فشارهای اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای - روانی را نسبت به جمهوری اسلامی تداوم ببخشد. دولت روحانی در دوره دوم با دو چالش امنیتی مواجه شد. چالش اول از مشهد آغاز و با ورود عناصری افراطی، به تنش کشیده شد و به‌مرور به سایر شهرهای ایران سرایت یافت. گروهی از مردم که سپرده‌های خود را در صندوق‌های سرمایه‌گذاری قرار داده بودند، با فریبکاری و در نتیجه از دست دادن منابع خود توسط این مؤسسات مالی مواجه شدند. آنها دولت را به دلیل اعطای مجوز به این مؤسسات مقصر دانسته و خواهان بازگشت منابع خود بودند.

دو سال بعد در آبان ۱۳۹۸، دولت روحانی به یکباره تصمیم به افزایش سه برابری قیمت بنزین گرفت. در پاسخ عمومی به این اقدام دولت، اعتراض‌های مسالمت‌آمیز آغاز شد. اما از همان روز اول برخی افراد، این اعتراض‌ها را به سمت ناآرامی خشونت‌بار کشاندند که نزدیک به ۲۵ شهر کشور را دربر گرفت (حسین‌پور و رشیدی، ۱۴۰۰: ۱۱۲؛ مدنی، ۲۰۲۰: ۳). این بار نیز آتش‌زدن اماکن عمومی، تخریب اموال و خودروها توسط آشوب‌طلبان به اجرا درآمد. بعلاوه به آتش کشیدن و پاره کردن تصاویری از رهبر انقلاب و شعارهایی علیه ایشان در نقاط مختلف کشور نشان داده شد. فضای مجازی نیز بر آتش التهاب می‌افزود. این ناآرامی‌ها برخلاف ناآرامی‌های سال ۱۳۸۸ رهبر و ایدئولوژی خاصی نداشت و از سوی هیچ نهاد مدنی مدیریت نمی‌شد. در این خشونت‌ها نیز ادعا می‌شود لااقل ۲۵ تن کشته شده‌اند (سایت رادیو فردا، ۱۳۹۸، کد خبر، ۲۸۹۷۴۸۹۶).

جدول شماره ۴: تحلیل ناآرامی‌های خشونت‌آمیز در دوره روحانی

عامل ناآرامی‌های خشن	دهه / دولت	خواسته	طبقه / قشر تشکیل‌دهنده بدنه	جنسیت	ایدئولوژی حاکم	گسل موجود
دسته‌ای از معترضان	نود و شش / حسن روحانی	اقتصادی	طبقه پایین	مرد و زن	بدون ایدئولوژی	اقتصادی
دسته‌ای از معترضان	نود و هشت / حسن روحانی	اقتصادی	طبقه متوسط و پایین	مرد و زن	بدون ایدئولوژی	اقتصادی

¹ Madani, 2020

-نآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱

الف) نشانه‌های بحران:

ابراهیم رئیسی در حالی به‌عنوان رئیس‌جمهور کار خود را آغاز کرد که کشور با چالش‌های جدی و متعددی روبه‌رو بود. مشکلات اقتصادی، مسائل زیست‌محیطی، مرگ‌ومیر ناشی از کرونا با میزان لااقل ۷۰۰ نفر در روز، در کنار ضعف اعتماد عمومی به دولت، چالش‌های مهمی را پیشروی او قرار داده بودند. همان‌گونه که اشاره شد مشکلات ساختاری، اقتصادی و زیست‌محیطی که در طول دهه نود انباشته شده بود، از ابتدای دولت رئیسی خود را نشان داد. طی آبان ۱۴۰۰ تنها دو ماه بعد از استقرار دولت، تحصنی با حضور هزاران تن از کشاورزان اصفهانی در بستر رودخانه زاینده‌رود و برای بیش از یک هفته برگزار شد. علاوه بر این، تجمعاتی از سوی بازنشستگان، فرهنگیان، پرستاران و کارگران در جای‌جای کشور طی سال اول دولت رئیسی برگزار شد.

در این میان قشر جوان به خصوص سنین بین پانزده تا بیست و پنج سال که به اصطلاح برخی جامعه‌شناسان نسل Z^۱ یا گروه TEEN نامیده می‌شوند، وضعیت ویژه‌ای داشتند (نوری، ۱۴۰۰: ۳۸). این جوانان که از ابتدای دهه نود با ورود پیام‌رسان‌های خارجی به کشور، شخصیت تربیتی آنها شکل گرفته بود، با گسترش کرونا و تعطیلی مراکز آموزشی ساعت‌های متوالی را در شبکه‌های مجازی می‌گذراندند. نوع نگاه بخش مهمی از این جوانان نسبت به مسائل کشور و ارزش‌های جامعه در قیاس با نسل‌های قبلی به شکلی عمیق تفاوت کرده است. نگاهی منفی نسبت به انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، نوعی اباحی‌گری در مسائل اخلاقی و شرعی، نگاهی همذات‌پندارانه با هویت‌های غیر ملی و غیردینی، سفید انگاری دوره پهلوی و داشتن نوعی حسرت برای زندگی در جوامع غربی بخشی از ارکان هویتی این نسل را شکل می‌دهد. بخش مهمی از این عناصر هویتی جدید ناشی از محتوای شبکه‌های مجازی است. بدین ترتیب با

^۱ اصطلاحاً نسل Z - به افراد متولد شده بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ گفته می‌شود. همچنین آنها را دیجیتالی‌های مادرزاد نیز لقب داده‌اند. آنها از کودکی خود با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و سیستم‌های موبایل سروکار داشته‌اند. این فضا، نسلی فرانشناختی را به‌وجود آورده که به‌راحتی منابع متعدد اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند و تجربیات مجازی و آفلاین را با هم ادغام می‌کنند.

^۲ گونه‌شناسی معترضین بازداشت‌شده در گفتگو با ۷۰ نفر از بازداشت‌شدگان. پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (علیه‌السلام) موجود در وبگاه <http://rbo.ir/>

زمینه‌سازی فضای مجازی، زمینه برای بروز یک رخداد اجتماعی آماده بود.

ب) شروع ناآرامی:

عصر روز ۲۲ شهریور ۱۴۰۱، یک دختر جوان کرد به نام مهسا امینی توسط پلیس امنیت اخلاقی به‌خاطر وضعیت نامناسب حجاب دستگیر و سپس به دلیل بیماری زمینه‌ای در محل ایستگاه پلیس دچار سکتة مغزی شده و در نهایت در ۲۵ شهریور در بیمارستان از دنیا رفت. سه مؤلفه دختر بودن، جوان بودن و کُرد بودن انگیزه لازم را برای شروع ناآرامی فراهم ساخت. برخی فعالین فضای مجازی به‌سرعت عکسی از وی در بیمارستان منتشر و پدر وی نیز اعلام کرد که دخترش هیچ‌گونه سابقه بیماری نداشته است.^۱ ناآرامی‌ها رفته‌رفته رویکردی افراطی، خشن و براندازانه به خود گرفت که بیش از سه ماه جمهوری اسلامی را درگیر خود کرد. در همان روز اول یکی از نزدیکان وی در محل بیمارستان تجمعی برگزار نمود که نیروهای امنیتی آن را کنترل کردند. از این به بعد همه چیز به‌صورت کاملاً برنامه‌ریزی‌شده، خارج از کنترل نیروهای داخلی و با سرعتی باور نکردنی به سمت خشونت کشیده شد. ناآرامی تمام شهرهای ایران را در بر گرفت. خشونت تقریباً در همه این تجمعات دیده می‌شد. شدت خشونت‌ها به‌گونه‌ای بود که تا حد سربریدن و آتش‌زدن منازل نیز سرایت کرد. رخدادهای پاییز ۱۴۰۱ بعد از ترورهای سال ۱۳۶۰، طولانی‌ترین و افراطی‌ترین نوع ناآرامی‌های خشونت‌آمیز پس از انقلاب اسلامی بوده است.

زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱

به‌طور کلی ظهور و بروز ناآرامی‌های خشن ۱۴۰۱، معلول عواملی زمینه‌ای و دیرپا در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چند دهه اخیر بود. در کنار این، عواملی دفعی و آنی هم به‌عنوان عوامل تشدیدکننده و سرایت بخش نقش‌آفرینی کردند. بدین ترتیب آنها را می‌توان به دودسته عوامل واقعی - زمینه‌ای و عوامل تشدیدکننده تقسیم نمود:

الف) عوامل واقعی - زمینه‌ای

۱. آسیب‌پذیر شدن معیشت و اقتصاد جامعه

^۱ بعداً مشخص شد مهسا امینی دارای بیماری زمینه‌ای بوده است. (سایت خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱: کد خبر ۸۶۰۹۶۴ برگرفته از سایت <https://www.mehrnews.com/news>) همچنین بیانیه پزشکی قانونی مبنی بر بیماری نامبرده ارائه شد (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۴۰۱: کد خبر ۸۶۰۹۶۴، برگرفته از سایت www.asriran.com/fa/news).

از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت‌ها در عصر جدید، تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی است که هدف از آن تأمین رفاه و معیشت جامعه می‌باشد. در چنین شرایطی نظام سیاسی به‌عنوان حلقه واسط بین جامعه و نظام اقتصادی عمل می‌کند (موسوی زنون، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۸). بنا بر نظریه محرومیت نسبی، زمانی که ارزش‌ها و انتظارات اقتصادی انسان‌ها نزدیک به مرز معیشت باشد، تقریباً هرگونه افول شرایط اقتصادی می‌تواند ظهور خشونت در جامعه را تسریع نماید (گر، ۱۳۹۴: ۱۷۱). علاوه بر این، برخی اوقات عواملی همچون حوادث و بلایای طبیعی، تورم جهانی کالا و مواد غذایی و یا تحریم، خارج از اراده و تصمیم رهبران یک کشور، می‌تواند بحران اقتصادی را شتاب بخشد. درهرحال، بحران اقتصادی در تضعیف وفاداری به‌نظام سیاسی نقش مؤثری دارد.

آسیب‌پذیر شدن اقتصاد مردم که از آن با اصطلاح «کوچک‌شدن سفره‌ها» یاد می‌شود، طی سال‌های اخیر موجب نگرش منفی به توانایی دولت در ایران شده است. در کنار آن، رواج جدی اشرافی‌گری در میان بخش کوچکی از جامعه که خود ایجاد چالش‌ها در مسیر اهداف متعالی انقلاب اسلامی و خلاف اهداف عدالت‌خواهانه بوده، مزید بر علت شده و دست کم در بخشی از مردم و حاکمیت شکاف ایجاد کرده است (عالمیان و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵۲). از این رو بود که برخی از تجمعات و تحصنات اعتراضی قبل از پاییز ۱۴۰۱ ناشی از وضعیت شغلی و اقتصادی اقشار مختلف خود را نشان داد. تجمع اعتراضی حدود چهارصد نفر از کارگران شرکت کیان تایر (تیر ۱۳۹۶)، تجمع اعتراضی رانندگان شرکت حمل و نقل خلیج فارس مقابل سازمان خصوصی‌سازی (تیر ۱۳۹۶)، ناآرامی‌های کارگران و بازنشستگان شرکت نیشکر هفت‌تپه برای پی‌گیری معوقات خود (تیر ۱۳۹۶)، تجمع معلمان برای دستیابی به برخی مطالبات خود در مقابل ساختمان مجلس (تیر ۱۳۹۶)، تنها مصادیق برخی از این تجمعات اعتراضی طی یک ماه بوده است. به‌علاوه، بازنشستگان و پرستاران نیز از گروه‌های معترض به وضعیت شغلی خود بوده‌اند. بر طبق نظریه محرومیت نسبی امکان دارد که خشم اقشار و طبقات اجتماعی، در غایت متوجه حکومت شود که امیدی کاذب در مرتفع نمودن نیازهای اقتصادی به آن‌ها داده است (گر، ۱۳۹۴: ۱۷۱). در کنار تحریم‌ها، رویکردهای اقتصادی دولت در دهه نود نیز، بر وخامت اوضاع افزود. به نحوی که در پیمایشی که از بازداشت‌شدگان این ناآرامی‌ها به عمل آمده است، سه عامل عدم تأمین مالی، محرومیت از اولیات زندگی و خطر پذیری برای رفع نیاز مالی به عنوان عوامل اقتصادی حضور خیابانی اعلام شده است (پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی، ۱۴۰۱، برگرفته از

۲. فسادهای اداری برخی مدیران و تبعیض‌های ناروا

فساد اداری، پدیده‌ای است که کم‌وبیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد. این معضل، اقتصاد داخلی را فلج، جریان توسعه را مختل، سازمان‌های دموکراتیک را مورد تهدید قرار می‌دهد، اصل حاکمیت قانون را مخدوش می‌کند و باعث تسهیل بروز سایر تهدیدات علیه امنیت، از جمله جرائم فراملی و تروریسم می‌گردد (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). پس از انقلاب اسلامی، توجه به نظام اداری و اصلاح آن همواره به‌عنوان یک امر مهم و اساسی مورد بحث و تأکید بوده است، به طوری که در غایت منجر به صدور فرمان تاریخی مقام معظم رهبری (۱۳۸۰/۲/۱۰) برای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی در کشور گردید. از جمله تبعات فساد در برخی از لایه‌های اداری کشور می‌توان به تضعیف انگیزه‌ها و باور مردم به توانمندی دولت، قطع امید مردم به آینده، کم‌رنگ شدن فضائل اخلاقی و عدم رشد رقابت سالم در سطوح اداری و اجتماعی است (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۵۷). هر چند نآرامی‌های ۱۴۰۱ از صبغه‌ای فرهنگی برخوردار بود، ولی اثرگذاری فسادهای اداری و به دنبال آن ایجاد یأس و بدبینی در برخی از جوانان در تسریع بخشی به آن را نمی‌توان نادیده گرفت.

بر اساس آخرین نظرسنجی مرکز تحلیل و بررسی متا، در اسفند ۱۴۰۱، بیش از ۶۰٪ پاسخگویان معتقدند برای یافتن شغل و استخدام در ادارات، رابطه بسیار مهم‌تر از در نظر گرفتن قواعد و قوانین است. همچنین ادراک عمومی جامعه نسبت به تبعیض بین مردم و مقامات در ارتکاب قانون‌شکنی، به صورتی است که بیش از ۷۱٪ جامعه معتقدند بین افراد عادی و مسئولین کشور در این زمینه تبعیض ناروایی وجود دارد. بعلاوه نزدیک به ۴۰٪ از افراد، پیمودن مسیرهای قانونی برای حل معضلات و مشکلات جامعه را ناکارآمد می‌دانند (سایت فارس نیوز، ۱۴۰۱، ۱۴۰۱۰۸۱۳۰۰۷۳). همه اینها در درازمدت می‌تواند منجر به سرخوردگی اجتماعی شود. تجربه نگارندگان از گفتگو با دانشجویان نیز نشان می‌دهد دانشجویان از اساس به دنبال تغییر نظام نبودند؛ اما از سیستم اداری و ناامیدکننده کشور نیز به ستوه آمده‌اند. به نحوی که معتقد بودند جایی برای امیدواری جوانان باقی نمانده است..

از دیگر سوی باید در نظر داشت کشور ایران همواره زیستگاه اقوامی با فرهنگ‌های گوناگون بوده است آنچه واگرایی اقوام را فراهم می‌سازد عدم توزیع برابر فرصت‌ها و امکانات

اجتماعی است که منجر به ظهور احساس تبعیض می‌گردد؛ لذا برای جلوگیری از بحران‌ها و تشدید خشونت در جامعه، تقویت هویت جمعی و رفع تبعیض در جامعه، آگاه‌سازی، تبلیغ، اقناع و توزیع عادلانه و برابر فرصت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی جهت اعتمادسازی ضروری به نظر می‌رسد (صفا و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۷).

ب) عوامل و زمینه‌های جغرافیایی

۱. خشکسالی‌های پایی

خشکسالی یکی از پدیده‌های معمول جغرافیایی است که در تمامی اقلیم‌ها روی می‌دهد. باتوجه به موقعیت جغرافیایی ایران و قرارگرفتن آن در کمربند آب‌وهوای خشک جهان (کیانی سلمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲)، این مسئله یکی از ویژگی‌ها و بحران‌های محیطی و زیستی این کشور در ادوار مختلف بوده که اثرات منفی و پایدار آن، بر حوزه‌های مختلف جامعه، نظیر: منابع آبی، زراعت و کشاورزی، صنعت، اقتصاد، سیاست و فرهنگ محسوس و مشهود بوده است.

در سال‌های اخیر وضعیت ایران از نظر نزولات جوی و حفاظت از منابع آبی بغرنج بوده است. از نشانه‌های این وضعیت خشک‌شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، تخریب کیفیت آب، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و طوفان‌های گردوغبار را می‌توان برشمرد (زبردست و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۲). دامنه بحران کم‌آبی تنها به حوزه محیطی و زیستی محدود نمانده و به حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیز تسری پیدا کرده است. چنان‌که اعتراضات کشاورزان اصفهانی، زد و خوردها در استان چهارمحال و بختیاری که منجر به قتل و جراحت عده‌ای شد (شهروند نیوز، ۱۴۰۱)، برگرفته از سایت <https://shahrvand-newspaper.ir/news:nomobile/main>، اعتراضات در استان سیستان و بلوچستان در ارتباط با وضعیت دهشتناک تالاب هامون، تنش‌های آبی در خوزستان و غیره طی سال‌های اخیر از این دست بوده‌اند. همچنین طی سال‌های اخیر تا کنون نیز وضعیت منابع آبی در شهر تهران به صورت بحرانی درآمده است به نحوی که ممکن است در آینده مخاطرات امنیتی به دنبال داشته باشد. بنابراین سیاست‌گذاری مدبرانه در این راستا، به جهت جلوگیری از ناآرامی‌های اجتماعی امری لازم و ضروری است.

۲. ژئوپلیتیک ایران و تحمیل مسائل فرامرزی

ژئوپلیتیک ایران به گونه‌ای است که خواسته یا ناخواسته مسائلی فرامرزی بر آن تحمیل

می‌شود. موقعیت راهبردی ایران و نیاز قدرت‌های بزرگ به انرژی خاورمیانه، موجب شده تا این منطقه محلی برای زورآزمایی نیروهای فرامنطقه‌ای به‌خصوص ایالات متحده تبدیل شود. اهمیت ایران برای آمریکایی‌ها به‌عنوان تولیدکننده مهم منابع نفتی و صادرکننده آن به کشورهای غربی، دوست استراتژیک آمریکا در خاورمیانه، کمربند همسایگی با شوروی (و سپس روسیه) و همچنین حفظ موقعیت اسرائیل از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است (هملیتون، ۱۳۶۲: ۲۴).

حمایت برخی دولت‌های غربی از نیروهای تجزیه‌طلب و برانداز در کنار تنوع قومی و مذهبی ایران، بعلاوه فعالیت مستمر گروه‌های تروریستی مانند سازمان مجاهدین خلق، پژاک، جندالله و غیره، جمهوری اسلامی را ناگزیر کرده است تا در زمینه ایجاد زمینه حتی برای تجمعات مسالمت‌آمیز نیز، دست به عصا حرکت کند. وجود یک دولت شیعی نیرومند در ایران که منافع ملی و ایدئولوژیک خود را با جدیت، دنبال کرده و در تلاش است تا موازنه را در منطقه به سود خود تغییر دهد، باعث شده است تا قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از وضعیت سیاسی اجتماعی و مشکلات اقتصادی و فرهنگی حاکم بر مناطق مرزی ایران که اقلیت سنی نشین را در خود جای داده است، برای ضربه زدن به منافع ایران استفاده کنند؛ چون وجود یک ایران بی ثبات که در مرزهای خود با معضلات متعددی روبروست عملاً به معنای به چالش کشیدن هژمونی این کشور به عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌باشد (افضلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۹۰).

ج) عوامل تشدید کننده خشونت

۱. گسترش چشمگیر فضای مجازی و تحرکات آن: رشد بی توقف و چشمگیر فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای اثرات بسزایی بر زندگی جوامع گذاشته است (حسین‌پور و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۰). به خصوص که فضای مجازی خود به عنوان نوعی واقعیت و حیات اجتماعی فرهنگی قلمداد می‌شود. در این صورت، آن واقعیت از ویژگی‌ها و عناصری برخوردار است که فرهنگ و ساختار از اجزای اصلی آن بوده و هر یک وجهی از وجوه حیات اجتماعی را به تصویر می‌کشند (رحمانی، ۱۴۰۱: ۲۹۳). در واقع فضای مجازی چنین کارکردی را به دست آورده است و توانسته جدای از فرهنگ سازی و ایجاد سبک زندگی جدید، در راه‌اندازی انواع جنبش‌ها، تظاهرات، بحران‌ها و اغتشاشات نیز نقش آفرین باشد (عبدالرحمانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۹۴). شبکه‌های مجازی در ایران کارکرد سیاسی خود را از انتخابات ۸۸ شروع

کردند (kamalipur, 2010: 127). طی دهه ۱۳۹۰ تقریباً در تمامی موارد سیاسی و اجتماعی از سیل تا زلزله تا انتخابات اثرگذاری مستقیم داشته‌اند. فعالیت این شبکه‌ها، بعد از مرگ مهسا امینی به اوج خود رسید به نحوی که در ایجاد و تشدید خشونت‌ها نقش غیرقابل انکاری داشتند.

از منظر اسکاچپول، خشونت سیاسی زمانی رخ می‌دهد که مردم عصبانی می‌شوند. به ویژه اگر شرایط سیاسی زمینه‌های این عصبانیت را فراهم آورند. به خصوص عصبانیت زمانی تشدید می‌شود که بین ارزش‌های موجود جامعه با آنچه ایده آل تصور می‌شود، احساس خلأ صورت می‌گیرد (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۱۸) در ایران این عصبانیت را شبکه‌های مجازی به صورتی گسترده به خصوص برای جوانان ایجاد کردند. البته تا پیش از ناآرامی‌های ۱۴۰۱، فضای کلی حاکم بر رسانه‌های مجازی همچون واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و ... در ایران، فضایی بسیار سیاه و پر از ناامیدی خصوصاً برای قشر جوان و نوجوان جامعه، فراهم ساخته بودند. آنها ایران را به عنوان کشوری پر از فساد و عقب‌مانده توصیف می‌کردند که هیچ‌گونه پیشرفتی نداشته است. بررسی عملکرد پنج رسانه ضدایرانی بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، رادیو فردا و من و تو نشان می‌دهد این رسانه‌ها در بازه زمانی ۲۳ شهریور تا ۹ آبان (۴۶ روز) بیش از ۳۸ هزار دروغ درباره حوادث اخیر ایران منتشر کرده‌اند (سایت فارس نیوز، ۱۴۰۱: کد خبر ۱۴۰۱۰۸۱۳۰۰۰۸۰۰۹). زیست مجازی این جوانان در مولفه‌هایی همچون عادت به بازی‌های دیجیتال، نت‌زدگی، بی‌پروایی از بیان جرم، اعتبار بخشی به هویت مجازی، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، فقدان تحلیل، خرابکاری شرافتمندانه و تلافی‌جویی برآمده از ارتباط گسترده و وسیع با فضای مجازی بوده است (پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقر العلوم علیه‌السلام، ۱۴۰۱، برگرفته از سایت WWW.RBO.IR). فضای مجازی برای این دسته از جوانان، همه چیز بود. در بستر این فضا انقلاب جدیدی رخ داده و شهرها یکی پس از دیگری سقوط کرده بودند. همه کشور از دست جمهوری اسلامی خارج و تنها چند گام تا شکست کامل نظام باقی‌مانده بود.

۲) **میدان‌داری جوانان به خصوص دختران:** هر چند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در ساختار قانونی کشور، حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در اکثر موارد به رسمیت شناخته شده (صفایی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲۹)، اما تلاش‌های جریان غرب‌گرا چه در داخل و چه در خارج از کشور همواره مبتنی بر فقدان فضای لازم و آزاد برای فعالیت زنان بوده است. به همین دلیل بود که در ناآرامی‌های ۱۴۰۱، باشعاری که وجه فمینیستی آن واضح و غالب بود، تلاش‌های وسیعی

صورت گرفت تا از حضور زنان علیه نظام استفاده لازم برده شود. این، نخستین بار بود که محور یک حرکت افراطی و خشن بعد از انقلاب اسلامی با نقش‌آفرینی جوانان به‌ویژه دختران جوان همراه بود. میانگین سنی دستگیرشدگان نیز پانزده سال اعلام شد (سایت جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۴۰۱: کد خبر ۶۰۷۱۳۰۶۰/۴۰۱). مهم‌ترین علت این همراهی از سوی جوانان جذابیت شعارهای از قبیل زن، زندگی و آزادی بود. زیست اخلاقی این دسته از جوانان به‌گونه‌ای شکل گرفته است که نسبت به اصول اخلاقی چندان اعتنایی نداشته و عمده اوقات خود را در شبکه‌های اجتماعی به سر می‌برند.

۳) حضور گسترده، همه‌جانبه و مستمر سلبریتی‌ها: نقطه اوج رفتار سیاسی سلبریتی‌ها در خشونت‌های ۱۴۰۱ قابل مشاهده است. در این مورد نیز فضای مجازی بستر مناسبی برای فعالیت آنها فراهم آورده بود. از همان ابتدا، سلبریتی‌ها به صورتی سازمان‌یافته و هماهنگ در التهاب‌آفرینی، به این ناآرامی‌ها مشارکت فعال داشتند. مهاجرت همزمان برخی از آنها در میانه التهاب‌ها، در کنار فعالیت‌های تهییج‌کننده و تخریبی برخی دیگر، نشان از رفتارهای سازمان‌دهی شده آنها داشت. در این بین، این دسته از افراد بیشترین میزان تلاش را برای آشفتنگی و ایجاد خشونت در جامعه از خود بروز دادند. نمونه بارز این اثرگذاری در رفتار عبدالمجید رهنورد قاتلی که دو بسیجی را در مشهد به قتل رساند، می‌توان دید (شبکه خبرگزاری تسنیم نیوز، ۱۴۰۲: کد خبر ۲۹۱۱۳۶۲/۲۵/۰۳/۱۴۰۲).

۴) همگرایی و همراهی گروه‌های اپوزیسیون: هر چند گذشت زمان نشان داد که هماهنگی و همراهی مخالفان نظام، کوتاه‌مدت و موقت است؛ اما لااقل ضمن چند ماه به صورتی کاملاً منسجم تمامی گروه‌های برانداز خارج از کشور اعم از گروه‌های چپ، راست و التقاطی، از تجزیه‌طلب گرفته تا فعال رسانه‌ای تا سازمان مجاهدین خلق، فعالیت‌های خود را هماهنگ نموده، هر کدام بخشی از ایجاد آشوب و تحریک به خشونت را دنبال می‌کرد. به‌نحوی که تجزیه‌طلب‌ها در شهرهایی همچون سنج و جوانرود اقدام به حرکت‌های ایذایی کردند. سازمان مجاهدین نیز با ایجاد گروه‌های مجازی همچون جوانان محلات در تلگرام، در هدایت آشوب‌طلبان به سمت کشتار نقش فعالی داشت. رسانه‌های فارسی‌زبان نیز در ایجاد آشوب ذهنی و تشویق به حرکت‌های تند و افراطی نقش‌آفرین بودند.

۵) فشار سنگین دیپلماتیک بر نظام: تقریباً تمامی رهبران و مسئولان کشورهای غربی به

صورت مکرر از این ناآرامی‌ها حمایت می‌کردند. بایدن اعلام کرد: ما ایران را آزاد خواهیم کرد» (سایت یورونیوز فارسی، ۲۰۲۲، کد خبر ۰۴/۱۱/۲۰۲۲). نخست وزیر کانادا در اجتماع ضد ایرانی شرکت نمود (شبکه افغانستان اینترنت‌نشال، بی‌تا: کد خبر ۲۰۲۲۱۰۲۹۸۱۱۵). رئیس‌جمهور آلمان با یکی از سلبریتی‌های مشوق خشونت دیدار کرد (سایت انصاف نیوز، ۱۴۰۱: کد خبر ۳۸۸۷۴۸). رئیس‌جمهور فرانسه با چند شخصیت برانداز و مخالف جمهوری اسلامی ملاقات نمود ((سایت انصاف نیوز، ۱۴۰۱: کد خبر ۳۸۱۹۶۶). حمله به سفارت خانه‌های ایران در برخی از کشورهای غربی، اخراج ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل، قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی توسط برخی کشورها همچون سوئد، حمایت از برگزاری تجمعات ضد ایرانی در بسیار از کشورهای غربی، اقدامات سمبلیک در دفاع از اغتشاش‌گران همچون کوتاه کردن موی سر وزیر خارجه بلژیک، بخشی دیگر از این اقدامات بود. بعلاوه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی غربی، عبری و عربی در این زمینه فعال بودند.^۱

اما به لحاظ طبقه‌ای، به‌درستی نمی‌توان اظهار داشت که ناآرامی‌های خشونت‌آمیز ۱۴۰۱ با محوریت کدام طبقه انجام شد. چه اینکه برخی از افراد طبقه متوسط بالا شامل سلبریتی‌ها یا پزشکان یا برخی دانشجویان در این فضا فعال بودند. درعین‌حال بخش مهمی از افرادی که در عرصه میدانی و در خیابان‌ها اقدام به ارباب و ترور می‌کردند از افراد معتاد، فرزندان طلاق، زنان مطلقه و ارادل و اوباش و یا حتی دانش‌آموزان بودند (پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقر العلوم علیه‌السلام، ۱۴۰۱، برگرفته از سایت WWW.RBO.IR) که جزو طبقات پایین به حساب می‌آیند. ترکیب متنوع مشارکت‌کنندگان در این ناآرامی‌ها، حتی از تشخیص نوع ایدئولوژی حاکم بر این افراد هم مانع می‌شود. این آشوب‌ها به لحاظ زمانی بعد از آشوب‌های سال ۱۳۶۰ طولانی‌ترین و به لحاظ گسل هم به گسل‌های بین‌نسلی و گسل‌های جنسی و قومیتی مرتبط می‌شود. به‌طورکلی خواسته‌ها و انگیزه‌های غیرارزشی و پر از خشونت آنها، باعث شد تا نتوانند تشکیلات منسجمی را در برابر نظام شکل دهند و یا آنکه به حضور میدانی خود استمرار ببخشند.

جدول شماره ۵: تحلیلی از ناآرامی‌های خشونت‌آمیز ۱۴۰۱

^۱ در این زمینه رجوع کنید به بیانیه تبیینی مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه موجود در وبگاه

عامل ناآرامی خشن	دهه / دولت	خواسته	طبقه / قشر تشکیل‌دهنده بدنه	جنسیت	ایدئولوژی حاکم	گسل موجود
بخشی از جوانان، سلبریتی‌ها و... عناصر اپوزیسیون	۱۴۰۱ / ابراهیم رئیس	فرهنگی (از) جمله آزادی حجاب و اختلاط نسیتی) و تجزیه طلبی و سرنگونی	ترکیبی از طبقات بالا، متوسط و پایین	زن و مرد	لیبرالیسم فرهنگی برای جنبش زن زندگی و ایدئولوژی چپ برای تجزیه طلبان	نسلی، جنسیتی و قومیتی

۴. نتیجه

ناآرامی‌های خشونت‌آمیز بعد از انقلاب از حیث گونه‌شناسی مشتمل بر گونه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد که احساس محرومیت نسبی و به عبارتی دیگر ناهمسانی انتظارات و ارزش‌های اقتصادی برخی گروه‌ها و اقشار اجتماعی با مرز معیشت در ظهور و بروز آن، نقش بسزایی داشته است. در این میان ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ش، هر چند واجد صبغه‌ای فرهنگی و منبعث از مرگ یک دختر جوان، فضای مجازی و شبکه‌ای دشمنان خارجی جمهوری اسلامی و مدیریت و طراحی آنان بود؛ ولی نقش عوامل زمینه‌ای از قبیل آسیب‌پذیر شدن معیشت جامعه، فساد اداری برخی مدیران؛ همچنین عوامل ژئوپلیتیکی و جغرافیایی در تسریع بخشی به آن را نمی‌توان نادیده گرفت. بدیهی است که با وجود زمینه‌های اعتراض در کشور، لازم است سیاست‌گذاران امنیتی و سیاسی کشور سازوکارهای مناسبی را جهت اظهار ناآرامی‌های مسالمت‌آمیز فراهم آورند تا در این صورت فشارهای وارده بر بخش‌هایی از مردم تخلیه شده و از سویی امکان انحراف ناآرامی‌های به حق، به سمت وسوی حرکت‌های خشونت‌آمیز و براندازانه مسدود شود.

ناگفته پیداست که هر گونه حرکت اجتماعی و سیاسی در حلقه دولتی و مردمی تکمیل می‌شوند. به عبارتی فرایند اعتراض مسالمت‌آمیز نه تنها ضرورت راهکارهای دولتی را می‌طلبد؛ بلکه ضرورت همراهی اجتماعی و آگاهی مردمی را نیز طلب می‌نماید.

از جمله راهکارهایی که می‌توان از آن برای به حداقل رساندن گسل‌های اجتماعی و کنترل خشونت سیاسی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بهره گرفت از این قرارند:
شفاف‌سازی نهادهای اجرایی، قضایی و حکومتی نسبت به عملکرد خود و پاسخ‌گویی

سریع و مناسب ارکان حاکمیت در قضایای مختلف به مردم در فضای رسانه‌ای و مجازی به‌منظور ممانعت از سلطه رسانه‌ای رقیب.

- حل شدن مدبرانه موارد و مسائل مربوط به زنان، همچون حضور در ورزشگاه‌ها، ورزش بانوان، موتورسواری، قوانین مربوط به حقوق طلاق، حجاب و ...

- اهمیت دادن به حوزه فرهنگی و مرتفع نمودن مشکلات و موانع فرهنگی در جامعه.

- ارتقای مشروعیت کارکردی در کنار مشروعیت ایدئولوژیک.

- حل مسئله بحران آب با فرهنگ‌سازی بهینه مصرف و اقداماتی نظیر: تأسیس آب‌شیرین‌کن‌ها.

- آموزش درست فرهنگ اعتراض به شهروندان در چارچوب قوانین کشور و در نظر گرفتن

اماکن خاصی برای ناآرامی‌های مسالمت‌آمیز.

- تجدیدنظر در ساختارهای اقتصادی باهدف ثبات بخشی به قیمت‌ها و کنترل تورم در جامعه.

- استفاده از عناصر اقلیت‌های وفادار به‌نظام در مناصب بالای سیاسی و ایجاد امکاناتی برای

اهل سنت جهت تأسیس مدارس علمی و ارتباط مستمر با علمای شیعه در شهرهای مختلف.

- مبارزه قاطع با مفسدین و اطلاع‌رسانی گسترده در این مورد به بدنه جامعه.

- آگاهی بخشی گروه‌ها و احزاب مدنی و سیاسی در قبال مسائل حساسیت‌برانگیز به مردم.

- انجام تحقیق و مطالعات گروهی عمیق و گسترده ملی در باب شناخت فرهنگ عمومی در

ایران به‌دور از تعصبات دینی، طایفه‌ای و فرقه‌ای، و دنبال نمودن راه‌های مرتفع نمودن خشونت در

کشور در پایان‌نامه‌های دانشجویی و پژوهشگاه‌ها (نوبخت، سمیعانی و دعاگویان، ۱۳۹۹: ۳۸).

منابع

- ابوذری لطف، مرضیه (۱۳۹۳). تحلیل توصیفی گفتمان‌های دولت‌های پس از انقلاب اسلامی؛ در حوزه توسعه اقتصادی (۱۳۷۵-۹۲)، مطالعات سیاسی، ۷(۲۶)، ۱۶۳-۱۳۷.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۷۶). دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سید مجید روئین تن، تهران: سروش.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۹). شورش اشرافیت بر جمهوریت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی معاصر ایران.
- افضلی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت، حقوق بین‌المللی، ۲۸(۴۵)، ۲۶۴-۲۳۵.
- اشرف سمنانی، بهروز (۱۳۹۸). شکاف اجتماعی؛ خطر همیشگی جوامع، ایران.
- افضلی، رسول؛ بدیعی ازندهی، مرجان و الهیاری، حمیدرضا (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی سیاسی نقش قدرت‌های خارجی در کنشگری ژئوپلیتیکی گروه‌های تروریستی مطالعه موردی منطقه بلوچستان ایران، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۴)، ۱۸۷-۲۰۸.
- باوند، هرمیداس (۱۳۷۸). توسعه سیاسی، گردآوری مهدی خاکی فیروز، تهران: قطره.
- پای، لوسین؛ بایندر، لئونارد؛ کلمن، جمیز؛ لاپالومبارا، جوزف؛ وربا، سیدنی و واینر، ماینور (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۰، قم: نشر مورخ.
- حسین‌پور، روح‌الله و رشیدی، احمد (۱۴۰۰). ناآرامی‌های دی‌ماه ۹۶ از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۹)، ۱۴۰-۱۰۹.
- راستگو، علی‌اکبر (۱۳۹۰). مجاهدین خلق در آیینۀ تاریخ، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رحمانی، تورج (۱۴۰۱). بازخوانی شرایط فرهنگی و ساختاری در انقلاب: تحلیلی انتقادی بر رویکرد ساختار کارگزار، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۴)، ۲۸۹-۳۰۲.
- زیردست، مجتبی و روشنی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی امکان استفاده از بارش‌های شهری جهت استفاده در مصارف فضای سبز با استفاده از نمافزار Storm Civil مطالعه موردی: بخش جنوب شهر مشهد، آب و توسعه پایدار، ۱۲(۱)، ۶۰-۵۱.
- سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام (۱۳۸۵). تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- سایت افغانستان ایترنشنال (بی‌تا). نخست‌وزیر کانادا در تجمع اعتراضی ایرانیان در اتاوا شرکت کرد، کد خبر ۲۰۲۲۱۰۲۹۸۱۱۵، برگرفته از سایت www.afintl.com/202210298115.
- سایت پرتال خبری فارسی زبانان امارات، (۲۰۲۱م). امارات کشور منتخب جوانان جهان عرب برای زندگی، کد خبر ۸۷۸۴، برگرفته از سایت www.uaekiosk.com/news/.
- سایت جامعه خبری تحلیلی الف (۱۴۰۱). میانگین سنی ۱۵ سال دستگیرشدگان اغتشاشات اخیر به دلیل غفلت از حوزه‌های تربیتی است، کد خبر ۴۰۱۰۷۱۳۰۶۰، برگرفته از سایت <https://www.alef.ir/news>.
- سایت خبرگزاری تسنیم نیوز (۱۴۰۲). صبحت‌های قابل تأمل قاتل ۲ بسیجی مشهدی در آخرین شب، کد خبر ۲۹۱۱۳۶۲/۲۵/۰۳/۱۴۰۲، برگرفته از سایت <https://www.tasnimnews.com/fa/news>.
- سایت خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶). تحریم باید از بین برود تا مشکل آب خوردن مردم حل شود، کد خبر ۱۳۷۵۶۵۰/۲۱/۰۱/۱۳۹۶، برگرفته از سایت www.tasnimnews.com/fa/news.
- سایت خبری و تحلیلی انصاف نیوز (۱۴۰۱). چرا رییس جمهور آلمان با علی کریمی دیدار کرد؟، کد خبر ۳۸۸۷۴۸، برگرفته از سایت <https://ensafnews.com/388748>.
- سایت خبرگزاری مهر (۱۴۰۱). کد خبر ۸۶۰۹۶۴، برگرفته از سایت <https://www.mehrnews.com/news>.
- سایت تحلیلی خبری عصر ایران (۱۳۹۱)، اسامی کشته شدگان حوادث انتخابات ۸۸ به روایت رسایی، کد خبر ۲۴۸۴۹۶، برگرفته از سایت www.asriran.com/fa/new/.
- سایت تحلیلی خبری عصر ایران (۱۴۰۱). بیانیه پزشکی قانونی درباره علت فوت مهسا امینی: بیماری زمینه‌ای ناشی از جراحی در ۸ سالگی، کد خبر ۸۶۰۹۶۴، برگرفته از سایت www.asriran.com/fa/news.
- سایت فارس نیوز (۱۴۰۱). ثبت رکورد ۳۸۰۰۰ دروغ در ۴۶ روز برای ۵ رسانه ضدایرانی/ بی‌بی‌سی همچنان در صدر؛ سبقت رادیو فردا از صدای آمریکا، کد خبر ۱۴۰۱۰۸۱۳۰۰۰۸۰، برگرفته از سایت www.farsnews.ir/news.
- سایت مرکز افکار سنجی دانشجویان (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی امید به آینده جوانان ایرانی با برخی کشورها، کد خبر ۲۰۰۱، برگرفته از سایت <https://ispa.ir/Default/Details/fa/2001>.
- سایت یورونیوز فارسی (۲۰۲۲). جو بایدن: نگران نباشید، ما ایران را آزاد می‌کنیم، کد خبر ۰۴/۱۱/۲۰۲۲، برگرفته از سایت <https://parsi.euronews.com/2022/11/04>.

سایت رادیو فردا، «آخرین آمار کشته شدگان در تظاهرات؛ سخنگوی قوه قضائیه»، کد خبر 28974896 برگرفته از سایت www.radiofarda.com.

سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۶). ۳۶ کشته و مجروح نتیجه راهپیمایی غیرقانونی ۲۵ خرداد ۸۸ کد خبر ۳۶/۱۰۰۷ برگرفته از سایت <https://irdc.ir/fa/news>.

سردارنیا، خلیل الله و البرزی، هنگامه (۱۴۰۱). تحلیل ناآرامی‌های صنفی - اجتماعی اخیر در ایران از منظر نظریه سیاست خیابان، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰ (۴۰)، ۱۵۰-۱۰۷.
شبکه شرق (۱۳۹۸). افشای ابعاد جدیدی از بازداشتگاه کهریزک در اعتراضات ۸۸ کد خبر ۲۵۵۹۳۳/۱۰۰، برگرفته از سایت www.sharghdaily.com.

صادقی، شهریار (۱۴۰۰). بررسی شاخص‌های اقتصاد کلان در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، اقتصاد نیوز، کد خبر: ۴۳۰۸۳۵، برگرفته از سایت <https://www.eghtesadnews.com>.
صالحی، هاجر (۱۳۹۴). گروه فرقان، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

صفا، سوسن، ترکمان، فرح و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۴۰۲). تأثیر احساس تبعیض قومی در هویت جمعی جوانان کرد کرمانج خراسان شمالی، مورد مطالعه: شهرهای کرمانج نشین خراسان شمالی، سال ۱۳۹۹، امنیت ملی، ۱۳ (۴۷) ۱۵۷-۱۸۰.

صفایی، رضا، پوستین چی، زهره، کشیشیان سیرکی، گارینه، نبوی، سید عبدالامیر (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی زنان: مطالعه موردی ایران پس از انقلاب و افغانستان و عربستان، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳ (۴)، ۲۰۹-۲۳۱.

عبدالرحمانی، رضا، حسین پور، جعفر، جباری، میثم (۱۴۰۰). بررسی رابطه کاربری پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات، امنیت ملی، ۱۱ (۴۰)، ۴۱۸-۳۹۵.

عالمیان، اصغر، راعی، مسعود، غلامحسین، مسعود (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی مبارزه با تبعیض طبقاتی بعد از انقلاب اسلامی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳ (۱۱)، ۱۴۷-۱۷۰.

عبدالعلی پور، قادر، فرخی، یزدان، کیانی، جواد (۱۴۰۱). ارائه الگوی ارزش‌های بنیادین در سیر تکوین انقلاب اسلامی بر اساس گفتمان امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳ (۳)، ۱۰۵-۱۲۹.

فوزی، یحیی (۱۳۸۶). استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی، متین، ۳۴ و ۳۵، ۸۹-۱۱۲.

کیانی سلمی، صدیقه و امینی فسخودی، عباس (۱۳۹۶). تبیین عوامل اجتماعی خشکسالی و شناسایی آثار آن، برنامهریزی فضایی، ۷(۴)، ۱۸-۱.

گر، تد رابرت (۱۳۹۴). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، پژوهشکده راهبردی. گلدستون، جک (۱۳۸۵). مطالعات نظری و تطبیقی انقلاب‌ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر. موسوی زنوز، موسی (۱۳۹۳). رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل مطالعه موردی امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۷)، ۹۸-۱۲۵.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، تهران، موسسه مطالعات ملی.

خط حزب الله (۱۳۹۸). شماره ۲۱۶.

نعمتی وروجنی، یعقوب (۱۳۹۱). سازمان مجاهدین خلق در جنگ تحمیلی، نگین ایران، ۷(۴۱)، ۷۵-۹۶. نوری، زهره (۱۴۰۰). نگاهی بر ابعاد روان‌شناختی و سبک زندگی نسل Z تهران، انتشارات بوکا.

نوبخت، امید؛ سمیعانی، محمد و دعاگویان، داود (۱۳۹۹). مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران: الگوی یابی در فرهنگ عمومی، علوم سیاسی، ۱۶(۵)، ۴۰-۱۷.

هملیتون، جردن، (۱۳۶۲). بحران، ترجمه: محمود مشرفی، تهران، انتشارات هفته.